زیر آسمان فیروزه ای

در پی ممانعت حراست فرودگاه امام خمینی(ره)

بازیگران فیلم افخمی شام خود را کنار اتوبان قم خوردند

● **شرق:** حراست فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) از ورود عوامل فیلم «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» به داخل فرودگاه جلوگیری کرد. یکشنبه ۱۰ آذر گروه فیلم سینمایی «آذر،...» برای فیلمبرداری سکانس‌هایی از این فیلم داستانی راهی فرودگاه امام‌خمینی(ره) شدند که با وجود هماهنگی‌های به‌عمل آمده با مدیرکل فرودگاه، حراست این مجموعه مانع فیلمبرداری در این محل شد. گوهر خیراندیش، مهدی فخیم‌زاده، رامبد جوان، مرجان شیرمحمدی و امیرعلی دانایی از جمله بازیگران این فیلم سینمایی بودند که مجال نیافتند حتی شام خود را در فرودگاه بخورند و به‌دلیل ممانعت حراست مجبور شدند شام را کنار اتوبان قم بخورند! «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» نوشته بهروز افخمی بر اساس رمانی از مرجان شیرمحمدی است که نیمی از فیلمبرداری‌اش را پشت‌سر گذاشته و قرار است در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر حضور داشته باشد. در این فیلم که جمال ساداتیان و افخمی تهیه‌کنندگی آن را برعهده دارند، «گوهر خیراندیش، مهدی فخیم‌زاده، رامبد جوان، مرجان شیرمحمدی، امیرعلی دانایی و...» ایفای نقش می‌کنند.

هفت جهان

«کن» به‌دنبال جانشین «ژاکوب»

● **شرق:** پس از ۱۳سال ریاست بر معتبرترین جایزه سینمایی جهان، سرانجام ژیل ژاکوب ریاست جشنواره سینمایی کن را به شخص دیگری می‌سپارد. ژاکوب که اردیبهشت آینده آخرین دوره‌ای است که به‌عنوان رییس جشنواره کن فعالیت می‌کند، امیدوار است که پی‌یر لکور جایگزین او باشد. به گزارش هالیوودریپورتر، لکور که امسال به‌عنوان یکی از اعضای گروه داوران جشنواره فیلم دوویل حضور داشت از سال ۲۰۰۲ رییس این جشنواره فرانسوی بود. این در حالی است که امسال سی‌ونهمین جشنواره فیلم دوویل که ویژه سینمای آمریکا در فرانسه است، برگزار شد. او در مصاحبه‌ای با روزنامه پرس اوشن شهر نانت در این‌باره گفت: من در این جایگاه با شمار وسیعی از چهره‌های مطرح از جهان سینما آشنا شدم. لکور اولین فردی است که اعلام کرده در حال لابی‌کردن برای گرفتن این پست است. دیگر نام‌هایی که برای دریافت این پست مطرح هستند کلود للوش، کارگردان، ژروم کلمنت، مدیر پیشین مرکز ملی سینما، آلن ترزین، رییس آکادمی فرانسه و سرژ توبیانا، مدیر فیلمبرداری است.

ادامه از صفحه ۷

تحقیر هم فرآیندی دوطرفه است

نظرتان درباره نگاه فیلم به فقر چیست؟

فیلم درباره فقر نیست. به نظر من فیلم درباره بیماری پیچیده‌تری است. درباره فسادی که گاهی می‌تواند با کار خیر همراه شود. درباره سهل و ممتنع‌بودن، ظالم‌بودن یا مظلوم‌بودن. درباره پیش‌پاافتاده‌بودن تصورات ابتدایی ما از پولدار بدجنس و فقیر مهربان. با موضوع اختلاف طبقاتی، نه‌تنها مادی که بیشتر فرهنگی مدتی بود درگیر بودم. جامعه ما از منظر اختلاف فرهنگی خیلی بیمار است و این مشکل میان فقیر و پولدار، یا دانا و نادان، یا مومن و کافر به‌سادگی رویکردی که مثلا صداوسیما دارد نیست. وقتی ظلم هست، در حق همه هست. یکی آسیب اقتصادی می‌بیند و دیگری از نظر فرهنگ زخمی می‌شود. یک بازی دوسر باخت است و به‌نظرم فیلم «پذیرایی‌ساده» به این مبحث خیلی پیچیده نزدیک می‌شود. فیلم به‌نظرم به هیچ‌وجه در مقام تحقیر قشری نیست. مثل زخمی چرکی است که سر باز کرده و هر کسی از آلوده‌شدن دامن خودش به این زخم ابا دارد. این است که واکنش ایجاد می‌کند. خیلی‌ها از دیدن فیلم بهشان برمی‌خورد. چرا؟ مصداق برداشتن چوب و گربه‌دزده است. کوهستانی در یکی از پرسش و پاسخ‌های فیلم حرف خوبی زد. گفت حتی تحقیر هم یک فرآیند دوطرفه است. کسی نمی‌تواند شما را تحقیر کند اگر خودتان در درون مستعد حقیر شمرده‌شدن نباشید.

نقش «غزل» فیلم «آسمان زرد کم‌عمق» کلا در مقایسه با نقش‌های قبلی‌تان به‌جای اینکه تماشاگر را به خود نزدیک کند، دورتر می‌کند. نظرتان چیست؟

خیلی مایل بودم با آقای توکلی کار کنم و به نظرم برای کارنامه من همکاری با ایشان خوب بود. قرار بود فیلم دیگری با هم کار کنیم که به این کار منجر شد. درست می‌گویید تماشاگر خیلی نمی‌تواند به این شخصیت نزدیک شود. چون اساسا نزدیک‌شدن به غزل خیلی سخت است. من که بازیگر نقش غزل بودم غربتش را حس می‌کردم تا چه برسد به تماشاگر. انسانی تنها و غریبه که «زندگی عادی‌اش همین است» (نقل به مضمون)، همین خوابگردی و گم‌گشتگی.

سیف‌الله صمدیان در گفت‌وگو با «شرق»:

یک عکاس برای ما یعنی همه انجمن

فرزانه ابراهیم‌زاده

عکس: آیدین رهبر، شرق

روز شنبه ۹ آذر در یکی از نشست‌هایی که در مجموعه نشست‌های ۱۰ روز با عکاسان در «خانه هنرمندان» برگزار شد، بحثی میان سیف‌الله صمدیان و مریم زندی به‌عنوان دبیر جلسه و یکی از سخنران‌های مراسم صورت گرفت که در گزارش ۱۱ آذر «شرق» با عنوان «رنجنامه عکاس زن مستقل» منتشر شد. سخنان مریم زندی که محور گزارش روزنامه بود، واکنش‌هایی را در پی داشت. سیف‌الله صمدیان در گفت‌وگو با «شرق» دیدگاه‌های خود پیرامون رخدادهای این نشست و سخنان مریم زندی را تشریح کرد. صمدیان در ابتدای صحبت خود با اشاره به سابقه راه‌اندازی انجمن عکاسان و برنامه ۱۰روز با عکاسان گفت: «با وجود مشکلات مالی انجمن در سال‌جاری؛ دبیری ۱۰ روز با عکاسان را پذیرفتم، زیرا به اهمیت و ارزش این برنامه واقف بودم. «انجمن ملی عکاسان ایران» سال‌هاست در تلاش است تا انجمن را از آفت سیاست‌زدگی‌های رایج فرهنگی و دولتی‌شدن، دور نگه‌دارد. کار بسیار مهمی هم در این مسیر انجام داده‌ایم. اساسنامه‌ای تدوین‌شده هم با حضور خود خانم مریم زندی تهیه شده است.»

او از زندی به‌عنوان «یکی از فعال‌ترین اعضای انجمن برای گرفتن مجوز»، نام برد و گفت: «اما متاسفانه در راه گرفتن پروانه فعالیت «انجمن ملی عکاسان ایران» با مشکلاتی روبه‌رو شدیم. فکر می‌کنم که سه یا چهار وزیر عوض شد تا سرانجام، وزارت کشور پروانه را به ما تحویل داد. دوستان ما در هیات‌مدیره همه مورد تایید بودند اما ظاهرا در رویدادهایی که بعد از انتخابات قبلی پیش آمده بود مشکلی برای خانم زندی بابت عکاسی‌اش پیش آمده بود. وزارت کشور از ما خواست تا اسم ایشان از هیات‌مدیره حذف شود. اما همه هیات‌مدیره هفت‌ماه صبر کردیم و با وجود اینکه پروانه آماده بود؛ پیگیر دریافت آن نشدیم زیرا معتقد بودیم حق خانم زندی، به‌عنوان عضوی از خانواده عکاسان، ضایع شده است.»

صمدیان با تاکید بر اینکه «یک عکاس برای ما یعنی همه انجمن»؛ افزود: «ما این انجمن را تشکیل داده‌ایم تا از حقوق عکاسان دفاع کنیم. اصلا قضیه را سیاسی نمی‌دیدیم و فکر می‌کردیم که این یک نهاد صنفی است. از نگاه ما اگر یک عکاس به‌دلیل عکاسی‌کردن متهم شده، کسی نمی‌تواند با استناد به این اتهام مانع حضور وی در هیات‌مدیره انجمن شود. بنابراین مصمم بودیم جلوی چنین دخالت‌های بیرونی شایبه‌دار را بگیریم. بر این اساس، هفت‌ماه دویدیم و به آدم‌های مختلف رو انداختیم - کاری که نظیر آن را در طول زندگی‌مان انجام نداده بودیم - تا بتوانیم این مشکل را حل کنیم. از خود خانم زندی هم بپرسید حتما تایید خواهند کرد که من به صورت شخصی در این حد پیش رفتم که گفتم اگر قرار باشد خانم زندی نباشد، من هم استعفا خواهم داد. خوشبختانه پس از پیگیری‌های فراوان، به ما امید و وعده دادند که به‌زودی، مشکل، حل خواهد شد. همزمان، مهلت تحویل‌گرفتن مجوز فعالیت انجمن، رو به پایان بود؛ با این وجود، تا سه‌روز آخر هم صبر کردیم. در نهایت هم با موافقت خود خانم زندی و با شرمندگی کامل از تاریخ عکاسی ایران ناچار شدیم نام ایشان را از هیات‌مدیره کنار بگذاریم و البته به شخص خانم زندی هم اعلام کردیم وقتی که مشکل شما حل شد، بار دیگر، عضو هیات‌مدیره انجمن خواهید شد. این قول، مبنای قانونی داشت زیرا ایشان در مجمع عمومی انتخاب شده بود و جزو دارندگان آرای بالا بود.»صمدیان در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به دومین دوره برنامه ۱۰ روز با عکاسان گفت: «تلاش کردیم تا با تقدیر و شناسایی درست پروژه‌های شاخص عکاسی که مهم‌ترین مرحله از عکاسی است را در قالب یک برنامه ۱۰روزه و در قالب یک نمایشگاه درجه‌یک به نمایش بگذاریم. گمان نمی‌کنم در کل تاریخ عکاسی ایران ۲۱ پروژه بسیار مهم را که در ۳۵سال گذشته تولید شده کنار هم گذاشته باشیم. این عکس‌ها از عکس‌های محمود کلاری در بدو انقلاب شروع می‌شد و به جنگ و روزهای دیگر و فعالیت‌های مختلف سیاسی و فرهنگی را در این مجموعه‌ها که چاپ شده بود به نمایش گذاشتیم و نشست‌هایی را به صورت میزگرد با این ۲۱ خالق پروژه عکاسی ایران گذاشتیم.» او با تاکید بر منحصر به فرد بودن این نشست‌ها از مطبوعات بابت نپرداختن به آن گله کرد. صمدیان درباره نشست مریم زندی در خانه هنرمندان و اتفاقاتی که روی داده است؛ با بیان اینکه «در این روز خاص تنها خبرنگار «شرق» حضور داشت»، توضیح داد: «خانم زندی حتی دوربین شخصی برای فیلمبرداری آورده بود. ما جز این، سه دوربین ثابت انجمن را داشتیم و دوربین‌های«خانه هنرمندان» هم بود. همه صحبت‌هایی که من در آن جلسه کردم ضبط شده است. اما تنها بخشی از حرف‌های من در گزارش روزنامه منتشر شده و متاسفانه آنچه منعکس شد بخش ناقصی از رویدادی فرهنگی و فاخر بود که مورد سوءاستفاده برخی قرار گرفت که متاسفانه باعث مخدوش شدن وجهه انجمن شد.»به گفته صمدیان، قرار نبود خانم زندی بیانیه بخواند بلکه باید پروژه‌هایش را به نمایش می‌گذاشت: «فکر کردم طبق قولی که ایشان به ما داده بود در مجمع عمومی شرح ماجرا را بگویید. متاسفانه نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد و احساساتی‌شدن ایشان باعث شد تا نتیجه زحمات ما آنگونه که باید به ثمر ننشیند. قصد نداشتم مانع ادامه صحبت ایشان شوم. اما مهلت سخن گفتن ایشان، نیم ساعت بود و براساس برنامه‌ریزی انجام شده، بعد از ایشان هم دو نفر، مهلت سخنرانی داشتند که باید به آنان زمان مقرر داده می‌شد تا دیدگاه‌هایشان را بیان کنند. بنابراین، چند بار گفتم خانم زندی اگر حرفتان زیاد است سعی کنید فشرده‌تر مسایل را مطرح کنید تا به دیگران هم وقت سخنرانی برسد.»او با بیان اینکه «چندین بار به ایشان درباره زمان تذکر داده شد»، گفت: «در نهایت به ایشان پیشنهاد دادم که اگر حرف‌هایش زیاد است، روزی دیگر برنامه‌ای مجزا بگذاریم تا بیاید و صحبت کند. البته، اغلب مواردی که می‌گفتند موضوعات جزیی بود اما حاضر بودیم در زمان مناسب‌تری شنونده تمام انتقادها و گلایه‌های ایشان باشیم.» صمدیان با اشاره به اینکه «آنچه اطلاع‌رسانی شد، بخشی از فضای واقعی جلسه بود»، افزود: «مثلا بخشی که من درباره«بی‌بی سی» گفتم، این بود که خانم زندی شما به احترام حرفه ای بحثتان را تمام کنید. اما ایشان با احساسات صحبت می‌کرد. من هم به ایشان گفتم اگر مطلبت را بنویسی قول می‌دهم که جایی چاپ کنند. اگر هم نه، بگو «بی بی‌سی» پخش کند. اصلا در ته ذهنم این نبود که شما نباید این حرف‌ها را اینجا بزنید و اینجا، جایش نیست. اما سخنانم به گونه‌ای منعکس شد که گویی گفته‌ام شما حرف‌هایتان را در «بی‌بی‌سی» بزنید. در حالی که نه چنین نیتی داشتم و نه از سخنانم چنین استنباطی صحیح است. در هرحال، امیدوارم انجمنی که بعد از سال‌ها تلاش، راه‌اندازی شده، از چنین برداشت‌های ناروای بیرونی، لطمه نخورد تا بتوانند پیگیر مطالبات صنفی اعضا باشد.»

راه رسیدن به هنر تجسمی متعالی

ادامه از صفحه اول

این تعامل مثبت و موثر و استقبال کارشناسان و منتقدان صاحب‌نام جهان برای آشنایی بیشتر با تغییر و تحولات هنرهای تجسمی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از عوامل بسیار مهم در شاخص‌شدن هنر ایران و چهره‌های نام‌آشنای هنری آن در عرصه بین‌المللی شد.

سیاست فرهنگی معتدل، تلاش برای تقسیم عادلانه امکانات، ایجاد فضای آزاداندیشی در چارچوب قوانین مدنی، توجه به انتظارات منطقی هنرمندان، بازسازی و نوسازی فضاهای نمایشگاهی، توسعه آموزش آکادمیک هنر در مراکز مهم کشور، خرید آثار از هنرمندان، چاپ و نشر آثار هنری و کتب نفیس ارایه‌دهنده آثار معاصر با کیفیتی در سطح بین‌المللی، توجه ویژه به هنرمندان پیشکسوت و حمایت همه‌جانبه از آنان، پشتیبانی از نشریات تخصصی و... از سیاستگذاری‌های مدبرانه‌ای بود که در پی آن ارتقای فرهنگ و هنر و در نهایت ارتقای دانش زیبایی‌شناسی جامعه را به‌همراه داشت. اجرای سیاست‌های فرهنگی بیان‌شده در دولت اصلاحات موثر واقع شد و نتایج ارزنده‌ای را به‌بار آورد. برگزاری نمایشگاه آثار مجسمه‌سازان معاصر انگلستان در موزه هنرهای معاصر تهران و حمل‌ونقل تعداد قابل‌توجهی از آثار این هنرمندان با وجود خطراتی که برای حفاظت از آنها وجود داشت و برگزاری نمایشگاه‌های متعدد از هنرمندان نام‌آور خارجی نشان از اهمیت موضوع و توجهی بود که در محافل هنری جهان به مراکز هنری ایران شده بود.

برگزاری موفق اولین نمایشگاه هنر جدید (کانسپچوال‌آرت) در ایران و استقبال بی‌نظیر هنرمندان به‌ویژه جوانان از آن نیز از رویدادهای قابل‌تاملی بود که در روزگار نه‌چندان دور در کشور ما رخ نمود. برگزاری اولین نمایشگاه نقاشی رئالیسم و هایپررئالیسم هنرمندان ایرانی، نمایشگاه بزرگ هنر معنوی، برگزاری دومین جشنواره هنری قرآن‌کریم و نمایشگاه بزرگ عکس طبیعت ایران در فرهنگسرای نیاوران نمونه‌های موفق دیگری از فعالیت‌های هنرهای تجسمی کشور بود که در دولت اصلاحات محقق شد. تئوری راهبردی هنرهای تجسمی دولت اصلاحات نه‌تنها هنرهای تجسمی ملی را ارتقا داد و به جهانیان معرفی کرد بلکه هنرمندان انقلاب و دوران جنگ را که زحمات زیادی برای آرمان‌های انقلابیون و رزمندگان کشیده بودند به میدان رقابت کشاند. سستی و رخوتی که چند صباحی پس از پایان جنگ‌تحمیلی گریبانگیر هنرمندان انقلاب شده بود یک‌بار دیگر آنها را به میدان کشاند تا در رقابتی فشرده توانمندی خود را به نمایش گذارند. این امر موجب ارتقای کیفیت هنری این گروه از هنرمندان شد و افزایش فعالیت‌های هنری آنان را به‌همراه داشت.

درواقع ایجاد زمینه کار و رقابت بین همه گرایش‌های فکری جامعه هنری، نه‌تنها موجب رشد هنر ملی به‌معنای عام آن شد، بلکه موجب رشد و شکوفایی دوباره هنر هنرمندان انقلاب شد.

نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۷۶ رنسانس سیاسی و فرهنگی جامعه کاریزماتیک ایران بود برای ورود به دوره حاکمیت قانون و تغییر شیوه مدیریت تحکمی به مردمسالاری. از این‌رو گفتمان هنر نیز از وضعیت فرمایشی گرفتار در چمبره مدیریت دولتی به آزاداندیشی مبتنی بر آرای مردم و هنرمندان تبدیل شد. هنرمندان در هر جامعه‌ای پرچمدار تغییر و تحول به سمت نظام قانونمند و مردمسالار بوده‌اند، زیرا در چنین اتمسفر اجتماعی‌ای توان خلاقیت خود را به‌خوبی می‌توانند بروز دهند. در دوره تحصیلات دانشگاهی‌ام در دهه اول انقلاب پیش از آنکه زمزمه تغییر و تحول در نظام سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی سابق به گوش کسی برسد، خبر می‌رسید که هنرمندان شوروی سابق به‌ویژه هنرمندان هنرهای تجسمی آن کشور، راهی متفاوت با راه متداول جوامع سوسیالیستی در پیش گرفته‌اند. این یک واقعیت تاریخی است که هنرمندان در تغییر و تحول به سوی پیشرفت و تعالی در دنیای معاصر، همواره جزو پیش‌قراولان جامعه روشنفکری خود هستند.

جناب آقای سیدمحمد خاتمی، رییس‌جمهور دوران اصلاحات با آگاهی و اشراف کامل از نیاز جامعه به آشنایی با دستاوردهای مثبت فرهنگی، هنری دوران معاصر جهان، جهت جلوگیری از بازماندن هنرمندان جامعه ایران اسلامی از این دستاوردها وارد عمل شدند.

وی «به‌واسطه آشنایی با مبانی غرب و مدرنیته فکری- اجتماعی، چونان روشنفکری آگاه و مطلع از تبادلات فرهنگی و دگردیسی سیاسی جهان، از دو قشری که در پروسه تجدد ایرانی با تمسک به غرب‌ستیزی از واقعیات زمانه رویگردان بودند و غرب‌باورانی که بدون آگاهی از روند شکل‌گیری مدرنیته در غرب، مجذوب مظاهر تمدن نوین شده بودند، راه میانه‌ای را پیش می‌گیرد که نشأت‌گرفته از خودآگاهی فکری و نگرش انتقادی به نسبت و اطلاع از زمینه‌های فرآیند مدرنیته است» (حق‌دار، گفتمان فرهنگی سیاسی خاتمی، ص۴۴).

آقای خاتمی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی لبنان در سال ۱۳۷۶ می‌گوید: «دستاوردهای بشری و مثبت غرب را باید بدانیم، اقتباس کنیم و بر اساس اعتقادات و ارزش‌های فکرمان، ببینیم، هرچه غرب کم داشته است به آن اضافه کنیم.»

درواقع رییس دولت اصلاحات در پی یافتن زبانی نو برای جامعه سنتی ایران است که به‌سرعت در حال تغییر و تحول و نیازمند به نوآوری است. زبان نو، اندیشه نو به همراه دارد و اندیشه نو نقاد جدی سنت‌های رایج است برای هدایت جامعه به سمت‌وسویی که نیاز آن به‌شدت احساس می‌شود، مشروط بر آنکه ارزش‌ها و سنت‌های ارزشمند که هویت جامعه ما را می‌سازد به‌گونه‌ای افراطی و غیرعقلانی نابود نشود.

آنچه بیان شد، اندیشه‌ای است که در فضای هنرهای تجسمی ایران در دوران اصلاحات حاکم بود و تلاش مدیران بر آن استوار شد تا فضای مناسبی ایجاد شود برای پاسخ‌گفتن به دغدغه جهانی‌بودن و معاصربودن هنرمندان و ایجاد زمینه سخن‌گفتن و با روح زمانه همراه‌بودن آنان. بر این اساس آنچه در حافظه تاریخ ثبت شده است، نظریه ایجاد فضای باز فعالیت‌های هنری و تامین بستر لازم جهت به‌کارگیری همه ظرفیت هنری کشور نتایج ارزنده‌ای را به‌همراه داشت و در اصالت این اندیشه شک و تردیدی وجود ندارد. اما تنها انشای نوشته‌نشده است که اشتباه ندارد. هنگامی که در عرصه مدیریت کلان، کارهای بزرگ و راهبردی را با قدرت به منصه ظهور برسانیم، مشکلاتی نیز ظهور خواهد کرد. دنیای معاصر دنیای نقد و آسیب‌شناسی کارهای بزرگ است. در دو سال پایانی کار دولت اصلاحات شاهد دلخوری بخشی از هنرمندان نیز بودیم. آیا تئوری هنرهای تجسمی اصلاحات مشکل داشت؟ آیا در مقابل هنر فرمایشی دولتی که روزگارش به‌سر رسیده بود، تئوری فضای باز اصلاحات مورد پسند گروهی از هنرمندان نبود؟ قضاوت منصفانه آن است که به‌عنوان یک کارشناس آشنا به موضوع بحث بگویم در تئوری هنرهای تجسمی اصلاحات عیب و ایراد جدی وجود نداشت. پس مشکل را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ به‌نظر می‌رسد مشکل در تصمیم‌گیری‌های فردی مدیران تصمیم‌گیرنده نهفته بود. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مدیران آن، چه تندرو و چه محافظه‌کار و میانه‌رو، به‌راحتی گرفتار افراط و تفریط می‌شوند. مدیریت هنرهای تجسمی در اواخر کار دولت اصلاحات نیز از این قاعده مستثنی نبود. آنها که خود منتقد هنر فرمایشی و دولتی بودند و در ابتدای کار با تئوری تعادل و تدبیر عقلانی و نگاه باز به همه تحولات هنری جهان وارد عمل شدند، در پایان کار گرفتار افراط‌وتفریط شده مدافع تمام‌عیار برخی گرایشات هنری به‌ویژه سبک و سیاق هنر غربی شدند و در اغلب موارد به هنرمندانی که این نگاه را نداشتند بی‌اعتنایی کرده‌اند. حمایت بی‌دریغ از برخی گرایشات هنری موجب شد جمع قابل‌توجهی از هنرمندان جوان داخل کشور بدون مطالعه و آگاهی سعی در پیروی از سبک و سیاق هنری این گروه از هنرمندان را در پیش گیرند. نتیجه این خطای مدیریتی آن بود که جمع بزرگی از هنرمندان شاخص هنرهای تجسمی از وضعیت به‌وجودآمده گله‌مند شده و به انزوایی ناخواسته روآورند. در میان این گروه هنرمندان هنرهای سنتی یا هنرمندان متعهد به هنر انقلاب و آرمانگرا واکنش بیشتری از خود نشان می‌دادند. شاید گرایش برخی از این هنرمندان به سوی گروه‌های تندرو سیاسی در دولت بعدی به همین دلیل بوده باشد. درواقع مدیریت هنرهای تجسمی در پایان دوره اصلاحات برخلاف تئوری‌های ارزنده جناب آقای سیدمحمد خاتمی به‌دلیل برخی خودمحوری‌ها، نوعی هنر دولتی را در پیش گرفت، با این تفاوت که این‌بار مشوق هنری بود که با هویت ملی و اسلامی بیگانه و با فرهنگ و هنر غربی سنخیت بیشتری داشت. باید اذعان کرد که عظمت کار انجام‌شده در حوزه هنرهای تجسمی و خدمات ارزنده‌ای که صورت گرفت، آنچنان بود که برخی نقطه‌ضعف‌های پیش‌آمده را که قابل اصلاح نیز بود، می‌توان نادیده گرفت. اما جریان رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر در دولت اصلاحات، در دوربرگردان دولت نهم و دهم یک‌بار دیگر با رکود و انزوای ناخواسته‌ای روبه‌رو شد. مطرح‌کردن تئوری حمایت انحصاری از هنرمندانی که طبق خط‌مشی تعیین‌شده دولت نهم عمل کنند توسط وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت نهم، آب پاکی بود روی دست همه هنرمندانی که حاضر نشدند در خدمت هنر فرمایشی قرار گیرند. نزول چشمگیر شاخص‌های کیفیت هنری و دانش زیبایی‌شناسی اولین نشانه‌های اعمال اینگونه سیاست‌های فرهنگی بود که در هشت‌سال گذشته خود را نمایان ساخت.

اکنون برگزاری موفق و حماسی انتخابات ریاست‌جمهوری و روی‌آوردن مردم به اعتدال، یک‌بار دیگر امید برقراری تعادل و خردجمعی در عرصه فرهنگ و هنر روح تازه‌ای را در میان هنرمندان و اهل قلم دمیده است. تجارب ارزنده دو دهه گذشته و آسیب‌شناسی هوشمندانه آن، می‌تواند راه روشن رسیدن به هنرهای تجسمی متعالی و به‌دور از شعارزدگی یا هرگونه انحرافی را نوید دهد. به امید آن روز.

پی‌نوشت‌ها:

*تئوری راهبردی هنرهای تجسمی در دولت اصلاحات، به‌کارگیری همه ظرفیت هنری کشور و حمایت فراگیر از همه هنرمندان بود که با وجود گوناگونی نحله‌های فکری‌شان و تفاوت سبک و سیاق تخصصی‌شان، بالقوه آمادگی فعالیت هنری زیر چتر مدیریت فرهنگی و هنری جامعه را دارا بودند.

* ایجاد زمینه کار و رقابت بین همه گرایش‌های فکری جامعه هنری، نه‌تنها موجب رشد هنر ملی به‌معنای عام آن شد، بلکه موجب رشد و شکوفایی دوباره هنر هنرمندان انقلاب شد.

چهره روز

مراسم یادبود ژیلا مهرجویی برگزار شد

داریوش مهرجویی: آلودگی هوا ژیلا را از ما گرفت

● **شرق:** مراسم درگذشت ژیلا مهرجویی، خواهر داریوش مهرجویی و طراح صحنه و لباس سینمای ایران اندوه اهالی سینما را دوچندان کرد. در حالی که اغلب حاضران در این مراسم که در عصر روز یازدهم آذرماه در خانه هنرمندان ایران برپاشد، بغض در گلو و اشک در چشمان داشتند، خاطرات خود را درباره این هنرمند ازدست‌رفته بیان کردند. طبیعی است که اندوه داریوش مهرجویی عمیق‌تر از همه باشد. او که میان گریه و سکوت سخن می‌گفت بیش از هر چیزی از آلودگی‌های تهران شکوه داشت: «این آلودگی هوا دارد همه را می‌کشد. ژیلا را از ما گرفت همه دوستانم سرطان گرفته‌اند! عزت‌الله انتظامی در بیمارستان خوابیده است. این رییس محیط‌زیست ما کجاست، خانم محیط‌زیست چقدر حرف، حرف حرف؟! ما تمدن ۲۵۰۰ساله داشتیم، چطور شده که اینگونه شدیم؟ آقای شهردار عزیز یک کاری بکن!»

رخشان بنی‌اعتماد که چندسالی دفتر مشترکی با ژیلا مهرجویی داشت، گفت: «من و ژیلا و نوشین عاطفی دورانی در یک‌جا جمع بودیم. در ساختمان قدیمی محله امامزاده «زرگنده» زندگی می‌کردیم که نام آنجا را «خانه‌آرزوها» گذاشته بودیم. ژیلا نه‌تنها همکارم بلکه همراهم بود. ذره‌ای از تفاخر در او وجود نداشت.»او در ادامه به سلوک و رفتار شخصی ژیلا مهرجویی اشاره کرد و گفت: «او با ناجوانمردانگی‌ای که در حقش شده بود، دنیایی از صلح در وجودش بود. با این‌همه هیچ‌وقت تلخی‌ای در کلام و بیانش شنیده نمی‌شد.»فریار جواهریان، طراح صحنه و لباس سینمای ایران، در بخشی از صحبت‌هایش با اشاره به فیلم «هامون» که مسوولیت طراحی لباس آن برعهده ژیلا مهرجویی بود، گفت: «ژیلا در طراحی لباس همان کاری را کرد که افرادی همچون کامران دیبا در معماری کردند، یعنی ارزش‌های اصیل ایرانی را با ارزش‌های غربی تلفیق کردند.»فاطمه معتمدآریا نتوانست در این مراسم حضور پیدا کند که با فرستادن متنی ابراز همدردی کرد و جهانگیر کوثری آن را قرائت کرد. همچنین رییس سازمان سینمایی، حجت‌الله ایوبی، با ارسال دسته‌گلی تسلیت خود را ابراز کرد. ژیلا مهرجویی بر اثر افت فشار دار فانی را وداع گفت و در قبرستان شهر طالقان به خاک سپرده شد.

خبرسازان

رییس پلیس امنیت اخلاقی ناجا خبر داد

دستگیری یکی از خوانندگان زیرزمینی

● «تتلو» یکی از خوانندگان زیرزمینی از سوی پلیس امنیت اخلاقی ناجا دستگیر شده و در اختیار مقام‌های قضایی کشور قرار گرفته است. این خبر را «ایسنا» به نقل از رییس پلیس امنیت اخلاقی ناجا منتشر کرده است. سرهنگ مسعود زاهدیان، رییس پلیس امنیت اخلاقی ناجا با اعلام دستگیری یکی از خوانندگان زیرزمینی داخل کشور، در مورد جزییات بیشتر این دستگیری گفته است: «پلیس با این‌دسته از افراد برخورد می‌کند و اخیرا نیز با خواننده‌ای به نام «تتلو» برخورد کرده است که هم‌اکنون پس از دستگیری در اختیار مقام‌قضایی است.»او با بیان اینکه پلیس تمامی این موارد را شناسایی کرده و با آنها برخورد می‌کند، عنوان کرده است که اجازه نخواهند داد در فضای قانونی کشور اتفاقی بیفتد و افزوده است: «بحمدالله هم صداوسیما و هم وزارت ارشاد زمینه‌های لازم برای فعالیت هنرمندان را فراهم کرده‌اند و افرادی که به شکل زیرزمینی قصد فعالیت دارند باید دست از این کار خود برداشته و در قالب هنر قانونی و واقعی به فعالیت خود ادامه دهند.»

سرخط

- **شرق: مرکز اتحادیه بین‌المللی نمایشگران عروسکی در ایران (یونیما) مجمع عمومی عادی خود را شنبه، ۳۰ آذرماه، در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌کند.**
- **مونولوگ «سفر شب یا نامه‌هایی که به مقصد نرسید و برعکس» با صداپیشگی محمدحسن معجونی، فریبا جدیکار، داریوش موفق و سعید چنگیزیان، روز شنبه ۱۶آذر در فستیوال «مونولیو» به کارگردانی مهدی چاکری روی صحنه خواهد رفت.**
- **نوه «پابلو پیکاسو» یکی از تابلوهای این نقاش بزرگ را به معرض فروش می‌گذارد تا پول حاصل از آن را برای نجات شهر تاریخی «تیر» از خطر تخریب اختصاص دهد.**
- **ایسنا: مدیر انجمن موسیقی قزوین گفت: «محمدرضا درویشی در حال تاسیس مکتب موسیقی نواحی قزوین است و هم‌اکنون باعث خوشحالی ماست که او در این شهر ساکن شده است.»**